



بازشناسی تحلیلی نوآوری و بداعت در معماری التقاطی کاخ های پارسه با تأکید بر عناصر معماری سنگی

محمدعلی کاظم زاده رائف*^۱، صبا میردریکوندی^۲

۱- عضو هیأت علمی گروه آموزشی مهندسی معماری مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، ایران، اهواز.

۲- مدرس مدعو گروه آموزشی مهندسی معماری مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، ایران، اهواز

چکیده

از عمارت ها و کاخ های شهر پارسه می توان به عنوان یکی از مهم ترین مجموعه میراث های تمدن بشری در جهان باستان نام برد. معماری باشکوه و عظمت گرا، رعنائی ستون ها، استحکامات و پایه های سنگی، نگاره های متعدد انسانی و طبیعی، نمادهای اساطیری و پلکان های دوطرفه جز خصوصیات کم نظیر این مجموعه تاریخی فرهنگی ایرانیان به شمار می رود. اقدامات اساسی داریوش اول هخامنشی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عمرانی راهسازی و فرهنگی، بسیار بوده است. اما شاید به جرأت بتوان اظهار نمود که هیچکدام، ماندگاری و پایداری این مجموعه بناها را - که سنگ بنای آن را داریوش کبیر گذاشت - نداشتند. علیرغم تأثیرات بسیاری که ملل تابعه در شکل گیری و احداث این مجموعه داشتند و به عبارت دیگر می توان معماری کاخ های پارسه را نوعی التقاط از معماری مصری، بین النهرین، یونان، لودییه ای و عیلامی دانست، به دلیل نوآوری ها و بداعت بسیاری که در بهره گیری از دستاوردهای هنری، معماری و تکنیکی اجرائی ملل تابعه به کار رفته بود، می توان این نوع معماری حاصل شده را که شباهت مفهومی با هیچ کدام از منابع معماری خود نداشته، گونه ای معماری ایرانی از نوع هخامنشی دانست. این بداعت در موضوعات به نمایش گذاشته شده در قالب نگاره ها و تناسبات، نوع حرکت در فضا ها و درجه روشنایی آن ها، اعداد به کار رفته، نماد های اساطیری و موارد دیگر، در هویت این مجموعه تاریخی، چنان تأثیری گذاشته است که با وجود التقاطی بودن ماهیت معماری از جنبه ی سبک معماری، صرفاً نوعی معماری با هویت ایرانی در جهان باستان محسوب می شود. در این نوشتار سعی شده تا با تحلیل کلی معماری سنگی کاخ های پارسه، بتوان بداعت و نوآوری در بخش های مختلف آن را بررسی نمود. شیوه ی تحقیق این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی: نوآوری، بداعت، معماری التقاطی، تخت جمشید، معماری هخامنشی